

## ۳ روایت متفاوت از روزهای انقلاب

اندازه: ۱۱ صفحه
۱۱ روز هشتم بهمن جمعی در مسجد ۲۱

است. مردم در راه بازگشت و در میدان ۳۴سفند حمایت از بازگشت امام به ایران، جلودر فرودگاه ششکل گرفتند. (انقلاب فعلی) با مأمورین پلیس درگیر می‌شوند و عدای به بههادت می‌رسند. رهبر معظم انقلاب دربارهٔ این حادثه سه تاریخ ۱۳۹۶/۸/۱۲فرمودند: «ژنرال هایزر که فرستاده آمریکابود و به ایران آمد برآی اینکه شاید بتواند یک جوری از دست انقلاب رژیم را نجات بدهد و حفظ بکندس. او در خاطرات خودش می‌نویسد -اینها اسناد تاریخی است- و می‌گوید من به ژنرال قره‌باغی گفتم که در مواجهه با مردم لوله تفنگ‌ها تان را با پایین بیاورد؛ یعنی مردم را یکشکند. تیر هوایی بخودی در نکند، مردم را قتل‌عام نکند. اینها هم همین کار را کردند. لوله تفنگ‌ها را با پایین آوردند. عدس‌های جوان و نوجوان کشته شدند ولی جمعیت عقب نرفت. هایزر می‌گوید: فره‌باغی بعد آمد به من گفت که این لیدبر نو فایده‌ای نکرده، مردم عقب نرفتند. آن‌وقت هایزر می‌گوید من ددم این ژنرال‌های شاه چقدر کودکانه می‌کشند». یعنی با یاد امام می‌داند، با یاد مر تب می‌کشند.»

### سوم؛ ده‌فجر و قدرت مردم

«جنت‌الاسلام و المسلمین نوبی تعریف می‌کند: «شب ۲۱بهمن بود در همین خیابان زری، حوالی غروب جوانی را دیدم. از ظواهرش فهمیدم که سرسبز رژیم است. با همان سن کوچک‌اما با یک اعتماد نفسی، جلیوی او را گرفتم و گفتم: «کجا بسودی؟» زبانش نمی‌چرخید جوابم را در دستش دهنه. گفتم: لباس سوزی را در آوردی و فرار کردی؟ چندین بار قسم خورد که کسسی را نکشتم». گفتم: «پس چرا فرار کردی؟» گفت: «یک تلنگ پیش‌رفته با شلک خودکار در میدان ۳۴سفند، مستقیم عقب بود. هیچ جنبنده‌ای نمی‌توانست به آن نزدیک بشود. دستور شلیک هم داشتیم اما خیل جمعیت، مافوق ما را مجبور به عقب‌نشینی کرد. من مردم تا تک پیش‌رفته را غنیمت گرفتند. همانطور که امام خمینی(ره) فرمودند: از اده و ایمان مردم، قدرت لایزال‌ی این‌هاست) است که هیچ نیرویی بیاری قایله با آن واردند.»

«نصرت‌الله حدادی، تاریخ‌شناس آن روزها را خوب به یاد دارد: «قرار شد امام(ره) به ایران بازگردند اما شهر تهران، آماده پذیرایی از این مهمان نبود. خیابان‌های شهر که ماه‌هاست درگیری و کشتار و راهپیمایی، برنامه هر روزهاست است. باید تمیز شود. شهر داری تهران، یک فراخوان ساده عمومی را اعلام کرد، شهر در کمتر از نصف‌روز، دست‌ه‌کل می‌شود. تمام خیابان‌ها آب و جارو و بسیاری از بلوارها با گل تزئین می‌شود.»

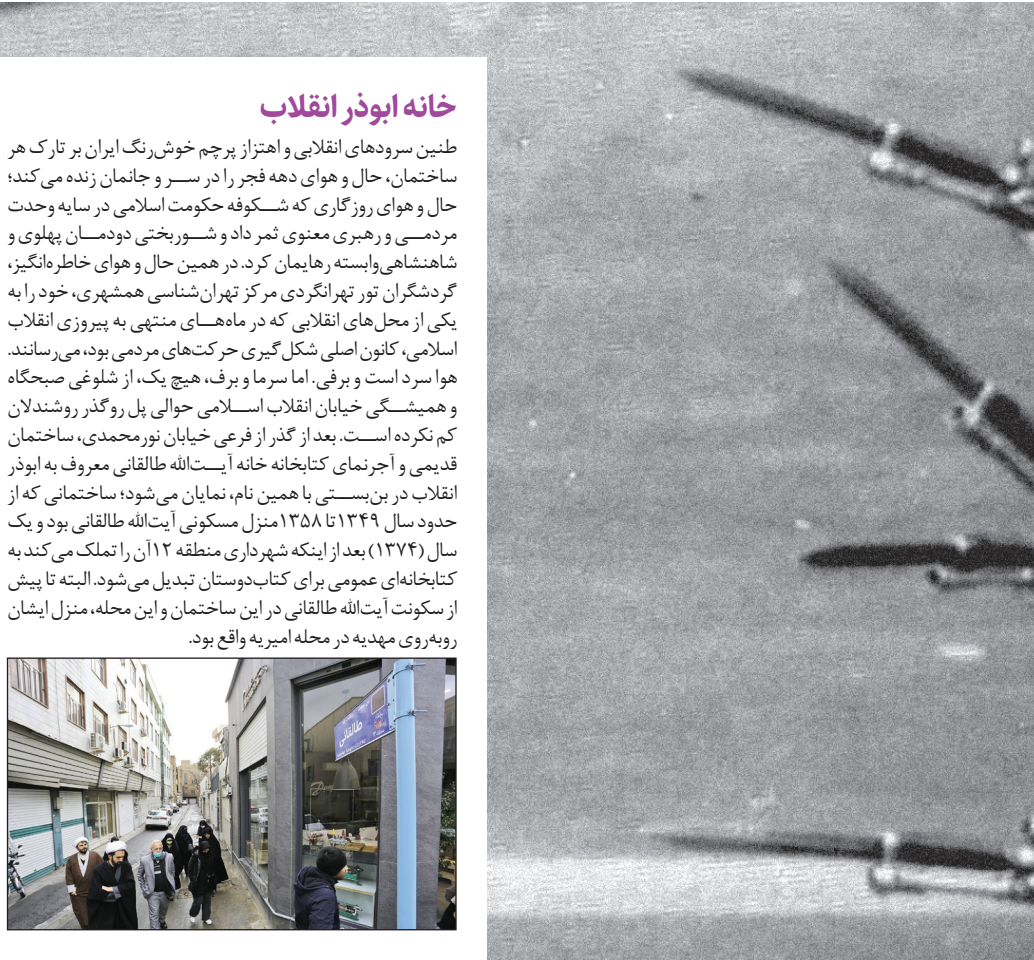
## روایت تهران

# روزهای حماسه و خون

## حضور در محل‌هایی که روزگاری میبایدگاه مبارزان

## در روزهای پیروزی انقلاب بود

بعضی از اماکن-خیابان‌ها ومحل‌های شهر، در صورت قلاب یک‌مانند:نماد یک دوره تاریخی با یک رویداد ملی و انقلابی که فصلی مشترک از خاطرات یک ملت است؛ مانند معاری که به‌عنوان مقاتل انقلابی شهرت یافته‌اند؛ ازین پست آیت‌الله طالقانی (محله ولی آباد) و دانشگاه تهران گرفته تا میدان انقلاب، میدان شهدا و خیابان شهدا که در چهارمین تپور تهرانگردی در مرکز تهران شناسی شهشهری به آنجا رفتیم و با شاهدان عینی روزهای حماسه و خون، دفتر خاطرات روزهای پیروزی انقلاب اسلامی را ورق زدیم.



### همسایگی با ساواک

کتابخانه آیت‌الله طالقانی، خانه‌ای در منطقهٔ با پیش از ۲۵۰متر مربع مساحت، حیاطی سرسبز و معماری ای قدیمی است که اهالی محله از خاطرات انقلابی و سیاسی بسیاری در «خانهٔ خود به ثبت رسانده‌اند. نصرالله حدادی تهران‌شناس روایتش بر سرشته فرآن، عالمی متفکر و مبارزی سیدجمید طالقانی، مفسر برجسته فرآن، عالمی متفکر و مبارزی سیاسی بودند که به روایتی، از دوره رضاشاه و شروع جنگ کشف‌جنب و آرد عرصه سیاسی و مذهبی می‌سوزند و روحی حزاری که بنیانگذار انقلاب اسلامی از ایشان منشون لوئدر قلاق یاد می‌کنند. آیت‌الله طالقانی ۳مزل داشتند و یک منزل در دوستان گلورد طالقانی و منزل دیگر هم (بعد از ساختمان امیریه) همین ساختمان مقابل تان است که ملاحظه می‌کنند.» حدادی با دست‌انگاری به ساختمان اجرامانی کنار کتابخانه آیت‌الله طالقانی می‌کند اولاده می‌دهد. «در واقع این نو ساختمان ججرا که کنار یکدیگر مشاهده می‌کنید ابتدا متعلق به یک نفر بود، یک ساختمان را آیت‌الله طالقانی خریداری کردند. یکی بعد از سکونت در آن و آغاز فعالیت‌های برجسته علمی سیاسی ایشان از پیش از ورود امام‌خمینی (ره) به ایران، پاساکی ساخته‌اند مجاور راخریده و مأموران ساواک در آن مستقر شدند تا کنترل و تعقیب این چهره شاخص انقلابی به حدانگر خود برسد. علاوه بر این کنترل محسوسی و مستقیم، در شیفته‌های مختلف پاسان‌های ابتدای کوجه (بن‌بست طالقانی) می‌استندند و بگهائی می‌داند.»

### یک وانت هیزم برای پاسبان

حدادی خاطره زیبایی در همین ارتباط تعریف می‌کند: «در یک شب سرد زمستانی، آیت‌الله طالقانی با مسئول مسجد هدایت در محله لامراز در زمستان، از پایگاه‌های اصلی شکل‌گیری مبارزات علیه رژیم پهلوی بود، تماس تلفنی می‌گیرند و درخواست می‌کنند یک وانت هیزم برایشان بیاورند. ساعتی بعد، راننده وانت پر از هیزم از آن می‌رسد و می‌خواهد

## اهلمشاهلاری

## روایت تهران

## خونین‌ترین کشتار بعد از ۱۷شهریور

حدادی که خودش در راهپیمایی‌های روزهای پیروزی انقلاب اسلامی حضور داشته، ادامه می‌دهد: «مجموده‌ها ششکل تهران و میدان انقلاب از جمله مهم‌ترین‌س و پرخنده‌ترین معابر و اماکن انقلابی به شمار می‌آید. برای همین منظور اغلب اوقات به‌ویژه در ماه‌های منتهی به بهمن ۵۷، من و چند تن دیگر از دوستان با اسیری رنگ بر دیوار برخی از کوجه‌ها و خیابان‌های اطراف این مجموعه می‌نوشتم». «این خیابان راه در دو دانه از اینجا فرار کردی»ها و مأموران رژیم باز سر ترس با ششکل منجمله، راه فرار از تیر و تفنگ را هم می‌کردند. اغلب هم از اسیری‌های شترسنگ استفاده می‌کردیم تا در صورت تاریکشدن هوا، بوسته‌ها و فلش‌های کشیده سوزی روی دیوارها قابل رؤیت باشند. البته در ارتفاع بالای دیوار هم آنها را می‌نوشتم که مأموران برای پاک‌کردنشان به سختی و درمسر برفتند. یکبار که دانشم روی دیواری (سفره خوشبختی سابق) نزدیک خیابان ۱۲فروردین راه قرار را علامت‌گذاری می‌کردم نزدیک بود برای نام دوم دستگیر شوم. این راه اضافه کنم که مأموران رژیم پهلوی معمولاً وارد بناگاه‌ها و راه‌های فراری که فضای بسته و محدود داشتند نمی‌شدند چون می‌ترسیدند که توسط مردم و انقلابیون خارج سلاح یا کشته شوند. یکبار، بعد از دانشگاه تا ساعت ۱۲و۳ روز ۱۲آبان بسته بود و بعد از آن هم دولت، حکومت نظامی اعلام کرد تا رفت‌وآمی نباشد. صبح روز بعد که فرست خروج از دانشگاه را یافتیم با خیابان‌هایی آغشته به خون و ساختمان‌هایی آتش گرفته (خرابکاری‌های خود رژیم، هم‌وجه شدم. همه‌جا درنداک آن روز را هرگز فراموش نمی‌کنم. بوآران نمی‌شود. پیاده‌راه مقابل دانشگاه تهران، با شانه به شانه جسد روی زمین افتاده بود یا افراد زخمی گوشه‌های در خون غلت می‌زدند. این خونین‌ترین کشتار رژیم بعد از کشتار ۱۷شهریور ۱۳۵۷بود که مردم ایران را بیش از گذشته شگمکن کرد.»



### راهپیمایی‌های سرنوشت‌ساز

راوی خانه ابوذر انقلاب از راهپیمایی‌های سرنوشت‌سازی برایشان می‌گوید که از همین خانه آغاز شد: «اهلمشاهلاری ایشان حال و هوای روزگاری که شکوفه حکومت اسلامی در سایه وحدت مردمی و رهبری معنوی نمر آده و شوربختی دودمان پهلوی و شاهنشاهی وابسته رهایمان کرد. در همین حال و هوای خاطرمانگر، گردشگران تور تهرانگردی در مرکز تهران شناسی شهشهری، خود را به یکی از محل‌های انقلابی که در ماه‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، اکنون اصلی شکل‌گیری حرکتهای مردمی بوده، می‌یابند. هواسرد است و برفی، اما سرما و برف هیچ یک، از شلغی صیحناه و همیشگی خیابان انقلاب اسلامی حوالی پل روکتر و شندلان کم‌نکرده است. بعد از گذر از فرعی خیابان مردمجمدی، ساختمان کتابخانه‌های عمومی برای کتاب‌دوستان تبدیل می‌شود. البته تا پیش از سکونت آیت‌الله طالقانی در این ساختمان و این محله، منزل ایشان روگری می‌دهید در محله امیریه واقع بود.



### خواندن قطعهنامه در مسجد صاحب‌الزمان حج

به‌گفته حدادی از جمعیت تقریبی ۴میلیون و ۲۰۰هزار نفری که تهران، بیش از ۴میلیون و ۵۰۰هزار نفر در راهپیمایی شرکت کرده بودند؛ جمعیتی که سعی داشتند ضمن شعارخوانی و اعلام نارضایتی، خود را از میدان آزادی برسانند، او می‌گوید: «من و دوستان به حوالی مسجد صاحب‌الزمان (حج) در تقاطع خیابان‌های آزادی و بهبودی در رسیدیم، شدیدم همان‌جا قطعنامه‌ای خوانده شد مبنی بر اینکه شاه رفته و با انتظار برای حکومت به تدریج زمام امور را از دست داد.»

### راهپیمایی مستقل نوجوانان

گردشگران در مقصد بعدی یعنی مقابل در اصلی دانشگاه تهران، قرار است روایت‌هایی از روزهای ۱۲آبان و ۱۳بهمن ۱۳۵۷را بشنوند. به مقصد که می‌رسیم هم هواسردتر می‌شود و هم دانه‌های بره، سریع‌تر و بیشتر از قبل بر زمین می‌بریزند. ادباجنت‌الاسلام حسین خطاب به دانش‌آموزان، نگاهیکته شد و تجلی می‌دهد.»

### کشتار مردم و دانش‌آموزان

حدادی که در حادثه ۱۳آبان ۵۷حضور داشتند، با یادآوری آن کشتار برنده می‌گوید: «دانش‌آموزان روز ۱۲آبان ۵۷را تعطیل کردن مدارس، علیه حکومت پهلوی شعار می‌دادند و سعی داشتند به جریان راهپیمایی‌های انقلابی بپیوندند. صبح روز ۱۲آبان، خودمأموران رژیم پهلوی اقدام آنتی‌ژن‌مغزها و اموال عمومی کردند تا نوجوانان را از کشتار نظامی و ۱۶هم جمعیت قابل توجهی از دانش‌آموزان، به سمت دانشگاه تهران حرکت کردند تا در محوطه دانش‌گاه، تجمع کنند. در مسیر، سراسر گروه‌های مردم نیز به این‌ها ملحق شدند. مأموران رژیم برای اینکه شرایط را به کنترل خود در آورند و از گسترده‌ی کشتار راهپیمایی جلوگیری کنند، در‌های میزبان دانشگاه‌ها را دانه‌آموزان و راهپیمایان بستند، شروع به تیراندازی کردند. بسیاری از دانش‌آموزان در وضعیت فرار فراری بدانشتهند. افراد بیرون از دانشگاه، خیابان، میدان انقلاب و خیابان‌های فرعی نیز هدف تیراندازی‌های بی‌امان مأموران فرار گرفتند.»

### نوکری که نروتمند بود

می‌کردند. همه‌چیز واردات بوه حسی‌ان صناعی که سامشخ به‌شخصه‌عدنی یعنی خیابان ۱۷شهریور برسد. جنت‌الاسلام ساواک کار کشورهای بیگانه بود و که بهترین‌ها و باکیفیت‌ترین‌ها را صادر می‌کردند تا با اینکه بود که رضایت مشتریان باز مصرف، آنها را وفادار زمان، فقط مونتاژ بوده، مونتاژی که به اسم شرکت‌های ایران در آن ملی به خورده ملت می‌دادند. شاید تنها صنعت مادر در آن زمان صنعت ذوب آهن بود. که البته آن هم در مراحل نخست فرآوری، بیشتر زیان‌آور بود. مثال دیگرش صنعت کفش‌سازی است که در آن روزگار ما جزو ۵کتسوز تولیدکننده نجات‌دهنده بر جهان محسوب می‌شدیم اما هیچ‌وجه از آن حمایت دولتی نمی‌شد. راه دور توریم، برنج امریکایی حدود سال ۱۳۵۰چینان در ایران بازار خودش را پیدا کرد که دیگر کسی به برنج اصل ایرانی با آن عطر و طعم اهمیت نمی‌داد.» بحث وابستگی اقتصادی رژیم پهلوی در کشورهای سلطه‌گر با رسیدن به پایان ۱۷شهریور و مسجد امامرضا ۲به پایان می‌رسد.

### مجرحان در حمام نمره محله و خانه‌های مردم

بود. بنابرین دوساره اعلامیه برقراری حکومت نظامی در روز جمعه، ۱۷شهریور از صادر کرد اما فایده‌اش نداشت و اعتراضات و راهپیمایی از میدان‌الله یا هاجان ششکل شکل گرفت. سربرازان پیش از ایشان جنت‌الاسلام کانه‌راه می‌گوید:«سعی داریم با محقق ساختن جهاد تبیین در شناخت درست تهران از پروژه نظهریسه‌سازی رژیم پهلوی که از مدت‌ها قبل توسط دشمنان کلید خورده است، به سلامت عبور کنیم.» جنت‌الاسلام رونقی، امام‌جماعت مسجد امام(رضاع)، درباره واقعه ۱۷شهریور عنوان می‌کند و روز خانه بنده شهادت عینی نمود. ۱۳شهریور راهپیمایی برگ عید فطرس از تهیه‌های قبل‌تر بعد از نماز عینی شکل می‌گیرد. این راهپیمایی و تظاهرات از فیطره، به‌ونگ، خیابان‌پهلوی (خیابان ولیعصر)، (که، خیابان زاله و جنوب تهران آغاز شد و ساعت ۸:۳۰در میدان شهیاد (میدان آزادی) به پایان رسید. ۱۶شهریور هم با وجود اعلام برخورد شدید دولت با برگزارکنندگان راهپیمایی و استقرار مأموران گارد ویژه، مردم در همه محله‌ها به خیابان‌ها آمدند. رژیم پهلوی مستاصل شده در نمره انتهای خیابان اشراق منتقل شدند.»



### دستور کشتار داریم

مردم خواست تا صبحگاه ۱۷شهریور به خیابان بیابند از ساعت ۱صبح جمعیت در میدان شهدا و خیابان‌های اطراف جمع شده بودند و گاردی‌ها نیز از همه طرف محاصره‌مان کردند. یکی از مأموران فریاد زد که متفرق شوید ما امروز دستور کشتار داریم. شیخ‌نوری سعی در گفت‌وگو با گاردی‌ها داشت اما خون‌همان جلسات جزوری و شب‌مباحث سخنانی برگزار می‌کرد. گاهی هم اعلامیه‌های منتشر می‌کرد. راهپیمایی میونوی ۱۶شهریور مردم را سرشار از احساس و حماسه کرد و زمینه برای تظاهرات در ۱۷شهریور فراهم شد. شب‌نوری ششامگاه ۱۶شهریور،



### شهادت چریک انقلاب در شقایقی

آخرین مقصد تور تهرانگردی، بن‌بست شقایقی در خیابان ۱۷شهریور، محل شهادت سیدعلی اندرزکو چریک انقلاب است. دروم، مانند براساس اسناد باقی‌مانده از ساواک و دیگر شواهد شد. جنت‌الاسلام رونقی می‌گوید: «خیلی‌ها تا پیش از شهادت سیدعلی اندرزکو، او را درگیری متولد محله شوش می‌دانستند. در ۱۳۵۷در درگیری مسلحانه با نیروهای ساواک به او، دو به سبب علاقه به علوم دینی در مسجد هرندی درس فقه و اصول خواند. تحت تأثیر شخصیت‌هایی مانند شهید نواب عسوی س ساسست ورود پیدا کرد و علیه رژیم ظالم وقت قیام کرد. مبارزات او از تظاهرات و بخش اعلامیه گرفته تا آموزش احکام و آموزه‌های دینی به مردم و مشارکت در عملیات‌های

بود.»